

می‌شود که همانا «انتقام شخصی» است! اما انتقام از که؟ پاسخ فیه‌مل البته تکان دهنده‌است: «از کشیشانی که در زمان هیتلر آشکار و نهان از او جانبداری می‌کردند.»^۲ و سوسه ساختن و ویران کردن و سوسه‌ای ست که گریبان روبرت را می‌گیرد.

والیته یافتن اینکه چرا آدمی چیزی را نخست می‌سازد بعد ویران‌اش می‌کند، کار آسانی نیست. پرسشی فلسفی و هستی‌شناختی که از پیدایش مفهوم مالکیت در جهان بوجود آمده، چیزی نیست که روبرت از عهده پاسخ آن بر آید و قرار هم نیست که چنین شود چون دیگر با اثری فرو بسته روبرویم که آرمانشهری ساخته‌گی را به ما نشان می‌دهد و بل همواره از ارائه چنین تصویری گریزان است.

«بیلارد در ساعت نه و نیم» اینه تجلی این پرسش در سراسر عمر سه نسل مختلف است. بل در این اثر نه اندرز می‌دهد نه می‌آموزاند، بلکه نشان می‌دهد.

و این نهایت کار یک نویسنده است. خطی کشی بل میان دو قطب «قریانی» و «جلاد» را از معایب این رمان دانسته‌اند.^۳ باور به دو قطبی بودن جهان شخصیت‌ها از عقاید کهن مایه می‌گیرد و در ادبیات مدرن رفته رفته کمرنگ‌تر شده و می‌شود. این شاید رهاورد ظهور پیشرفتهای برق‌آسا در همه زمینه‌ها در زمانی محدود و نسبت باوری منتج از یورش شگفتی‌ها بر انسان باشد. که امروزه چنین تقسیمی را روانی دارد. با تأمل در آثار بل به این نکته مهم دست می‌یابیم که وی هرگز بی «سفارش اجتماعی»^۴ چیزی ننوشته و با «هنر برای هنر» دمخور نبوده است. زبان بل در آثارش ساده و گیراست مایه‌هایی از طنز در همه آثار وی به چشم می‌خورد که باعث کشش بیشتر نوشته‌هایش برای خوانندگان است.

تنها در سال ۱۹۵۹، با «بیلارد...» هاینریش بل گوشید دگرگونی در زبان را نیز تجربه کند و این بار زبانی

نشان می‌دهد و هم دورانی پس از جنگ و به اصطلاح پرواز ققنوس ملت آلمان از خرابه‌های جنگ جهانی را به دقت وامی‌شکافد و آسیب‌شناسی این دوران را در آثارش بازتاب می‌دهد. از این جهت مثلاً رمانهای قطار به موقع رسید با آبروی از دست رفته... با عقاید یک دلقک تفاوت‌های چشمگیری به چشم می‌خورد. آثار دیگر بل چون و حتی یک کلمه هم نگفت (۱۹۵۳)، خانه بی‌سرپرست (۱۹۵۴)، و نمایشنامه‌هایی چون یلان (۱۹۵۷) و مفقود الاثرها هرکدام حال و هوای ویژه خود را دارند. با این همه، اما، رمان بیلارد در ساعت نه و نیم کتاب دیگری است. در این کتاب «سرنوشت سه نسل توصیف می‌شود که هریک از آنان به نوعی در ساختن یا انهدام صومعه‌ای به نام «سنت آن‌تون» دست دارد. نخستین فرد از نسل اول آرشیکتی ست به نام هاینریش فیه‌مل^۱ که برنده مناقصه‌ای در سال ۱۹۰۷ شده، موضوع این مناقصه، ترمیم بنای صومعه است. هاینریش تعمیرش می‌کند و روبرت - پسر او - که نسل دوم این خانواده است در جنگ جهانی دوم وظیفه تخریب صومعه بر دوش اوست. وظیفه‌ای که چون رسالتی عظیم جلوه می‌کند. آخرین فرد از نسل خانواده فیه‌مل، یوزف است او دوباره کمر به آبادانی آن صومعه می‌بندد، بی‌آنکه بداند پدر خود او آنجا را بدین روز سیاه نشانده است.

پس رابطه این سه نسل با هم به ترتیب: آبادانی - ویرانی - آبادانی ست و در این سه گانه‌گی، باز هم پیروزی با «آبادانی» یا «تعمیر» است و این مسئله در نهان، امیدواری بل به سازنده‌گی دوباره را نشان می‌دهد. البته میان سه بخش رمان، بخش میانی مهم‌تر است. در این فصل روبرت سرگذشت خود را برای نوجوانی که در هتلی بزرگ مأمور آسانسورست و با او هر روز در ساعت ۹/۵ بیلارد بازی می‌کند، شرح می‌دهد. نام کتاب نیز از همین بخش انتخاب شده است. در خلال این بخش دلایل واقعی نابودی صومعه آشکار

شهرت یک نویسنده و انتشار ترجمه اغلب آثارش، بی‌گمان فرصت خوبی است برای آشنایی علاقه‌مندان ادبیات با آثار او. اما گاهی با توجه به تقدم یا تأخر برگردان آثارش، چهره‌ای خاص از او و سبک و سیاق‌اش در ذهن خوانندگان ترسیم می‌شود.

به مرور زمان و با ترجمه آثار دیگری از همان نویسنده این چهره کامل‌تر می‌شود و خطوط باریک آن را می‌توان نگریست. هاینریش بل، نویسنده مشهور آلمانی که با ترجمه آثاری چون عقاید یک دلقک، آبروی از دست رفته کاتارینا بلوم، قطار به موقع رسید، زنان در برابر چشم انداز رودخانه، سیمای زنی در میان جمع [عکس دسته جمعی با بانو] و چندین و چند ترجمه گاه مکرر از داستانهای کوتاهش خود را به عنوان چهره‌ای نیرومند و روشن در زمینه رمان‌نویسی و داستان کوتاه به خواننده‌گان فارسی زبان شناسانده است! اکنون باعرضه کتاب بیلارد در ساعت نه و نیم به ترجمه آقای کیکاووس جهانداری ما را شگفت‌زده می‌سازد.

واقع‌گرایی بل در این کتاب و تعهد او به مسائل اجتماعی کشورش، بستری دیگرگون می‌یابد و این بار اثر پیش‌تکنیکی خاص می‌گیرد که در کار بل بی‌سابقه و زیباست.

هاینریش بل از آن دسته نویسندگانی ست که به نحوی هم دوران شکل‌گیری جنگ جهانی و ظهور فاشیست‌ها بر آلمان را یادآوری می‌کند، هم تب و تاب بلاهت آلمانی تا رسیدن به فاجعه جنگ جهانی را به ما

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیلارد در ساعت نه و نیم

هاینریش بل

کیکاووس جهانداری

انتشارات سروش، چاپ اول: ۱۳۷۷



برمی‌گزیند که بیشتر از دیگر آثار او متوجه قالب باشد. اما این روال ادامه نیافت و در عقاید یک دلفک در سال ۱۹۶۳، بل را به زبان پیش از بیلیارد ارجاع داد. مخالفت با اوضاع سیاسی و کلیسای محافظه کار و متجرب از زبان دلفکی به نام «شیر» بیان می‌شود. هاینریش بل از آن زمره نویسندگانی است که با نگارش مقالاتش درباره مسائل سیاسی، در مسائل سیاسی روز دخالت می‌کند. گونترگراس نویسنده هموطنش و برنده جایزه نوبل ۱۹۹۹ از این جهت خود را وامدار و پیرو بل می‌داند و افسوس می‌خورد که بل نیست تا خوشحالی او را از دریافت جایزه نوبل ببیند.

بل در جایی می‌نویسد: «برای من تعهد، لازمه نویسندگی است پایه و مایه آن است و چیزی که من بر این پایه بنا می‌کنم همان دریافت من از هنر است.» یا «جایی که آزادی مورد تهدید قرار گیرد، قلم مورد تهدید است و به عکس آن آبروی از دست رفته کاتارینا بلوم شاید یکی از عمیق ترین و امروزی ترین آثار بل باشد. با تامل بر نام دیگر این رمان یعنی: خشونت چگونه پا می‌گیرد و به کجا می‌انجامد این مسئله روشن می‌شود. خشونتی که از روش های خاص و نادرست روزنامه ای پا می‌گیرد و به آنجا می‌رسد که زنی جوان، ساده دل و درستکار را مبدل به قاتلی می‌کند.

وارد شدن در جهان بل ما را از موضوع اصلی پرت کرد. و جز این انتظاری نمی‌رفت. اما اکنون «بیلیارد» در هیات فارسی اش در اختیار ماست و ما می‌توانیم یک بار دیگر بل را از لابه لای سطور آن پیدا کنیم.

ترجمه این کتاب زیبا و خواندنی ست. مهمترین وجه مثبت این ترجمه، یکدستی آن است در این اثر خواننده فارسی در گیرودار فراز و فرود زبان مترجم قرار نمی‌گیرد گویانکه می‌توان مثلاً کل این ترجمه را امروزی تر از آنی کرد که هست و ناگفته پیداست که این را نمی‌توان از معایب یک ترجمه شمرد زیرا در این جا

دیگر صحبت سلیقه است نه درست یا نادرستی ترجمه. مثلاً در آغاز کتاب می‌توان در جمله «امروز اولین بار فہمل با او تندی کرد، بهتر بگویم تقریباً کار به خشونت کشید.» «با او تندی کرد» را «به او بی ادبی کرد» برگرداند یا اصولاً در سطر دوم «بود که» و «همان» را اصلاً حذف نمود. یا جای «قسمت» (س ۱۲) گذاشت «جمله» یا در سطور ما قبل آخر و آخر «نفسی به راحت کشید» و «ناز و نواز» را نوشت: «نفسی به راحتی» کشید. و «ناز و نواز» را نوشت: «نفسی به موشکافی ها و وسواس ها امکان نزدیک تر شدن به زبان هاینریش بل در این کتاب فراهم شود و مثلاً کاستن از کشیده شدن متن، به عبارت دیگر جلوگیری از «کش آمدن» متن و حذف برخی مترادف هایی نظیر «ادب و آداب» که بجای «Höflichkeit» (ص ۵ س ۳) آمده و کارهایی از این دست و فشرده گی که ما را تا حدی به این مقصود برساند.

اما تحقق همین «شاید» چیزی ست تعیین کننده که در عمل و با رو در رو شدن با متن توانایی یک مترجم را آشکار می‌کند. و این مفروضات البته سرمویی از زیبایی متن نمی‌کاهد و همچون همه آثار این مترجم، این اثر را نیز جذاب و خواندنی می‌کند. برای مترجم آرزوی توفیق داریم.

پانوشته ها:

- ۱- ادبیات امروز آلمان - توج رهنما - چشمه ۱۳۷۶، ص ۱۴۲
- ۲- همان ص ۱۴۴
- ۳- همان ص ۱۴۵
- ۴- تعبیری است از مایاکوفسکی شاعر مدرن روسی درباره خاستگاه هر شعر.
- ۵- آبروی از دست رفته کاتارینا بلوم، ترجمه شریف لنگرانی، خوارزمی ص ۱۳۶۳، مقدمه
- ۶- مبنای مقایسه اجمالی متن کتاب زیر بوده است: Heinrich Boell: Billard um halbzehn, Roman, dtv, Köln, 1974

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

«دیدرو» ی تازه تر

دنی دیدرو

گیتامی

عبد الله کوثری

کهکشان، چاپ اول: ۱۳۷۸

در یک نگاه

غالب کسانی که در آثار و آراء دنی دیدرو تحقیق می‌کنند او را آدمی لاقید و پراکنده گو و همه کاره می‌دانند. در نظر آنان فیلسوفان دیگری مانند ولتر و منتسکیو و ژان ژاک روسو مقامی بسیار شامخ تر از دیدرو دارند. اما گیتامی نگاهی دیگر به دیدرو دارد. او معتقد است که دیدرو آن طور که شاید و باید شناخته نشده است و معتقد است که تنوع عظیم افکار دیدرو و دامنه گسترده روحیات و سبک کار او آمیزه غریبی شده که غالب ذهن های ساده نگر که به دنبال جواب های قطعی هستند از آن گریزانند، چرا که نمی‌توانند او را در هیچیک از قالبهای ذهنی خود بریزند.

درواقع هیچ حکم خدشه ناپذیری درباره دیدرو نمی‌توان داد. او نویسنده ای است که شور و شوق و تردید و بیزاری خوانندگان را برمی‌انگیزد و این بستگی به زمینه های فکری و ایدئولوژیک و خلق و خوی خواننده دارد. او مانند تمامی نوابغ اصیل پر از تضادها و پیچیدگی هاست. خود دیدرو نیز هیچگاه نکوشیده این تضادها و پیچیدگی ها را در خود حل کند یا آنها را تخفیف دهد. او تمایلی به پایبندی به نگرش های انعطاف ناپذیر را نداشت و همواره ترجیح می‌داد که راه گزینش را برای خود باز نگاه دارد تا مبادا در تنگنای یک نظام ایدئولوژیک گرفتار شود.

گیتامی در کتاب کوچک «دنی دیدرو» که در سری «نسل قلم» منتشر شده است، سعی می‌کند جایگاه بالایی برای دیدرو در این چارچوب مهیا کند و مکتب های ادبی مدرن و شکسته شدن پیش داوری ها تا حدی در گرایش وی به این تلقی تازه مؤثر بوده است. گیتامی در تدوین این کتاب به تمامی جنبه های شخصیتی یا فکری و یا فعالیت های ادبی و فلسفی و علمی دیدرو نظر داشته است و از این جهت کتاب ضمن کم برگی جامع است، بخصوص اینکه خواننده فارسی زبان این اقبال را دارد که مترجم کتاب عبدالله کوثری است و کتاب را در نهایت زیبایی و روانی ترجمه کرده است، ولی با وجود این همه محاسن شاید این غبطه با بعضی از خوانندگان بماند که ای کاش کتاب با عکسی از دیدرو نیز همراه بود.